



بررسی سیاست‌گذاری آموزش و پرورش بر دانش‌آموزان ابتدایی در دوران کرونا

محبوبه امیری خامکانی^۱، آرزینا سلاجقه^۲

۱- دانشجوی ارشد، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران

۲- استادیار برنامه‌ریزی آموزش از راه دور، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران

چکیده

نظام آموزشی از مهم‌ترین ارکان یک جامعه است و سیاست‌گذاری آموزشی نیز از مهم‌ترین فرآیندهای بنیادی در سیاست‌گذاری دولت است. نظام آموزشی همانند سازمان‌های دیگر همواره با چالش‌های مختلفی در طول زمان روبه‌رو می‌شود که باید با ابزارها و رویکردها و سیاست‌گذاری‌های مناسب بتواند از آنان گذر کند. سیاست‌گذاری مطلوب و کارا سیاست‌گذاری منوط بر واقعیات و شرایط حاکم بر جامعه است. اما وجود عدم اطمینان در آینده و رخ دادن پیشامدهای غیر قابل پیش‌بینی، پیشروی نظام آموزشی است که یکی از این پیشامدها همه‌گیری ویروس کرونا در سراسر دنیا است و بحران‌های جدیدی را علی‌الخصوص در حوزه آموزش ایجاد کرده است. شیوع ویروس کرونا مدیران آموزشی، معلمان، والدین و دانش‌آموزان را با مسائل عدیده‌ای روبرو نموده است. در سال‌های گذشته، بسیاری از کشورها، مدارس و دانشگاه‌ها را تعطیل کرده و یادگیری از راه دور را جایگزین حضور فیزیکی دانش‌آموزان و دانشجویان کرده‌اند. سیاست‌های اجرایی از سوی دولت‌ها در زمینه محدودسازی رفت و آمد انسان‌ها و پرهیز از هرگونه تجمع با هدف مقابله با ویروس کرونا موجب شده تا در شرایط فعلی، میلیون‌ها دانش‌آموز در کشورهای مختلف جهان، از رفتن به مدرسه محروم شوند و در خانه، فرآیند آموزشی خود را دنبال کنند. این مسئله به طور خاص در مورد کشورهایی که عمیقاً تحت تاثیر شیوع ویروس کرونا قرار گرفته‌اند، نظیر چین، کره جنوبی، ایتالیا و ایران، صدق می‌کند. لذا در این تحقیق سعی بر آن شده که سیاست‌های آموزشی و تاثیر کرونا بر دوره ابتدایی بررسی شود.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری آموزشی، دوره ابتدایی، کرونا



مقدمه

تعلیم و تعلم در هر نظام حکومتی نقش تعیین کننده‌ای داشته و حکومت موظف به سیاست گذاری در حوزه آموزش است (داودآبادی و بهرامی، ۱۳۹۹). سیاست گذاری آموزشی یکی از نخستین فعالیت‌های سیاست گذاری در حیطه‌ی اداره امور عمومی توسط دولت‌هاست، زیرا مبدأ جامعه پذیری و تحرک افراد جامعه به سوی دیگر سیاست‌ها به شمار می‌رود؛ حتی سیاست گذاری‌های فرهنگی که عامل محوری توسعه محسوب می‌شود، نقطه‌ی آغاز از سیاست گذاری‌های آموزشی است چون فرهنگ پذیری با آموزش شروع می‌شود (نیازآذری و همکاران، ۱۳۹۱).

با توجه به این موضوع سیاست گذاری با توجه به اهداف و خط مشی در یک محیط آموزشی تدوین می‌گردد و محیط‌های آموزشی خود به عنوان یک راهبرد (راههای رسیدن به اهداف و ارزش‌ها) برای رسیدن به اهداف تعداد کثیری از افراد می‌باشد، لذا تعیین سیاست‌های کلان و سیاست گذاری یک محیط آموزشی به عنوان یک موسسه خدماتی که نقش پررنگ و مثبتی در سرنوشت افراد ایفا می‌نماید، بسیار حائز اهمیت و حساس می‌باشد (جعفر زنجانی و اکبری، ۱۳۹۲).

شیوع ویروس کرونا تمامی ساختار نظام جهانی را بر هم زده است و این مسئله در امر آموزش و یادگیری نیز اثری گسترده داشته است. ویروس کرونا تاکنون در جهان حدود ۳۶ کشور از جمله ایران را درگیر کرده است. اگرچه همه اقبال و گروه‌های سنی در معرض خطر این بیماری قرار دارند، اما با توجه به جمعیت بالای دانش آموزان و دانشجویان، تراکم کلاس‌های درسی و دانشگاهی، استفاده از امکانات و فضاهای عمومی و مشترک و در نتیجه آن پیامدهای سلامتی و احتمال بالای انتقال ویروس از طریق این دو گروه به آحاد جامعه، مراقبت و کنترل فضاهای آموزشی نخستین اقدامات کشورهای مبتلا به این بیماری است.

شیوع ویروس کرونا، تغییر و تحول را بر همه حوزه‌ها و عرصه‌های زندگی اجتماعی تحمیل کرد و آموزش و پرورش را به سوی آموزش‌های مجازی سوق داد. همه‌گیری ویروس کرونا در کشور که از اسفندماه سال ۹۸ شروع شد، سبب تعطیلی کلاس‌های حضوری و رونق یافتن آموزش مجازی و کم‌رنگ شدن ارتباطات انسانی میان دانش آموزان و معلمان شد. همه‌گیری ویروس کرونا تعطیلی مدارس را رقم زد و این موضوع زمینه‌ساز مشکلات زیادی برای خانواده‌ها از نظر وقت گذاشتن برای آموزش فرزندانشان در کلاس‌های مجازی، پرداخت هزینه‌های گزاف اینترنت، تامین تجهیزات نوین آموزشی و حتی سرگرم شدن فرزندان با بازی‌ها و سرگرمی‌های اینترنتی شد (سلیمی و فردین، ۱۳۹۹).

نبود ارتباط چهره به چهره معلم و دانش آموزان، بی‌سوادی برخی والدین و ناتوانی آن‌ها در هدایت تحصیلی فرزندان و رفع اشکالات درسی آن‌ها، مشغله فراوان برخی والدین در پی خسارات اقتصادی و معیشتی ناشی از شیوع ویروس کرونا، بی‌توجهی دانش آموزان به آموزش‌ها، سرگرم شدن دانش آموزان در دنیای مجازی و کاهش ساعات درسی در بستر فضای مجازی، فراق طولانی آنان در خانه و انجام ندادن تکالیف و عدم تلاش برای رفع اشکالات درسی را می‌توان از جمله



دلایل اصلی افت تحصیلی دانش‌آموزان نام برد. بخشی از این افت تحصیلی که در دانش‌آموزان دیده می‌شود به ضعف مهارت‌های فردی برمی‌گردد، چون آنان یاد گرفته‌اند تحت فشار سیستم آموزشی برنامه‌ریزی کنند و فاقد خود تنظیمی هستند (رهبر کرباسدهی، ۱۴۰۰).

ورود بی‌مقدمه آموزش مجازی به کشور هم‌زمان با شیوع ویروس کرونا و ماندگاری آن، نگرانی بابت افت تحصیلی دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف تحصیلی را به صورت جدی مطرح می‌کند که لازم است بابت کاهش نگرانی‌ها و رفع آن مکمل‌های آموزشی دیده شوند.

سیاست آموزشی

در تعریف سیاست آموزشی می‌توان گفت: مشخص شدن اصول و کنش‌های مربوط به امور آموزشی، که اهداف مطلوب را دنبال می‌کند، با بایستی دنبال کنند، با اهداف مطلوب را طراحی می‌کنند. سیاست‌گذاری آموزشی با ترکیبی از تعاملات رو در رو با مطالعات مستقل به دست می‌آید (قائدی و همکاران، ۱۳۹۴).

سیاست‌گذاری آموزشی

سیاست‌گذاری (خط مشی‌گذاری عمومی) عبارت است از یک سلسله اقدامات هدف‌دار که به وسیله یک فرد یا گروهی از افراد که قدرت و مشروعیت سیاست‌گذاری را دارا باشند، برای مقابله با یک مشکل عمومی شکل می‌گیرد (ثنایی پور، ۱۳۹۳).

سیاست‌گذاری آموزشی یکی از نخستین فعالیت‌های سیاست‌گذاری در حیطه اداره امور عمومی توسط دولت‌هاست، زیرا مبدأ جامعه‌پذیری و تحرک افراد جامعه به سوی دیگر سیاست‌ها به شمار می‌رود؛ حتی سیاست‌گذاری‌های فرهنگی که عامل محوری توسعه محسوب می‌شود، نقطه آغاز از سیاست‌گذاری‌های آموزشی است چون فرهنگ‌پذیری با آموزش شروع می‌شود (نیازآذری و همکاران، ۱۳۹۱).

علم سیاست‌گذاری آموزشی به مطالعه عملکردهای مشخص دولت در زمینه‌های آموزشی می‌پردازد. در سیاست‌گذاری آموزشی باید به ارزش‌های افراد، گروه‌ها و جامعه توجه کرد و این که یک سیاست مفید آموزشی باید ماندگار و عمیق باشد و به اندازه کافی جامعه‌ی هدفش را پوشش دهد و همچنین از سوی جامعه پذیرفته شود و به مفهوم عقلانیت در سیاست‌گذاری آموزشی اشاره کند که سیاست‌های آموزشی دولت را تحت تاثیر قرار دهد (زرکشان، ۱۳۹۹).

در سیاست‌گذاری مطلوب آموزشی، سیاست آموزشی خوب سیاستی است که از سوی جامعه پذیرفته شود و از نظر تکنیکی، صحیح و با معیارهای تکنیکی و عملی ایجاد شده برای حمایت از آن مطابقت داشته باشد. در دنیای امروز که علم و فناوری با رشد و گسترش وسیع و جهان شمول به عنوان عامل مهم و اساسی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی،



اجتماعی و فرهنگی جوامع بشری به حساب می آید، نهادها و نظام‌های آموزشی و پرورشی در توسعه علم، فناوری و نوآوری نقش مهمی را به دست آورده‌اند.

مهم‌ترین چالش سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش در هزاره سوم، سیاست تحول و تبدیل نظام آموزش فعلی به آموزش و پرورش کارا و اثربخش است. سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش از حیاتی‌ترین حوزه‌های سیاست‌گذاری عمومی دولت‌ها شمرده می‌شود. در جوامع دانش محور امروزی، آموزش با کیفیت و برابر از حقوق بنیادین شهروندان و از جمله وظایف اساسی دولت مدرن است. دولت‌ها سعی می‌کنند به این مطالبه و وظیفه در قالب فرایند سیاست‌گذاری آموزشی پاسخ گویند. البته موفقیت سیاست‌های آموزشی، تابعی از ترتیبات نهادی دولت است، بروز مسائل و معضلات نوپدید در حوزه آموزش و پرورش در جهان پرشتاب و رقابتی امروزی متأثر از تشدید و گسترش پدیده جهانی شدن، تدبیر و سامان دادن به این امور و نیز اصلاح و بهبود نظام‌های تعلیم و تربیت را به یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین دغدغه‌های دولت‌مردان و سیاست‌گذاران تبدیل کرده است (رضوی و همکاران، ۱۳۹۵). شکل‌گیری جوامع دانایی محور در نتیجه فراگیر شدن روزافزون فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، موجب پدید آمدن نگرش و رویکردی جدید به امر آموزش شده است. اگرچه در عینیت بخشیدن به ایده «آموزش خوب»، می‌توان نقش آفرینی همه نهادها و سازمان‌های اجتماعی اعم از مدارس، خانواده‌ها، معلمان و رسانه‌های ارتباط جمعی را متصور شد، اما در این میان نهاد «دولت» به عنوان نهاد نهادها و مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کنشگر اجتماعی، همچنان عنصری محوری دانسته شده و از شأن و جایگاهی حیاتی و بسیار تعیین کننده برخوردار است (حیدری، ۱۳۹۹).

پیوند نهاد دولت با آموزش از زاویه‌ای دیگر نیز قابل تأمل و بررسی است. به این معنا که بسیاری از مسائل و موضوعات آموزشی به دلیل مرتبط بودن با مقوله تصمیم‌گیری و انتخاب از میان گزینه‌های متنوع و بدیل‌های گوناگون اجتماعی، اساساً ماهیتی «سیاسی» و «سیاست‌گذارانه» یافته و در ارتباطی ناگسستنی و مستحکم با نهاد دولت قرار گرفته است. به طور معمول، دولت‌ها وظیفه و نقش‌شان در عرصه تعلیم و تربیت را در چارچوب سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش به انجام می‌رسانند.

تاریخ آموزش و پرورش مملو از سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی هست که باید به دقت مورد بررسی قرار بگیرد. در اجرای فرایندها و سیاست‌ها افراد مختلفی حضور دارند که اگر منافع آنها به درستی بررسی نشود، احتمال هر نوع شکستی برای برنامه و سیاست وجود دارد. فرایند سیاست‌گذاری موثر آموزشی با ایجاد و توسعه‌ی سرمایه‌های غیرمادی (انسانی، اجتماعی



و فرهنگی)، در دستیابی نظام تعلیم و تربیت به هدف کمک به رشد اقتصادی جامعه نقش آفرینی می‌کند (کشاورزی و جعفری، ۱۳۹۷).

مفهوم دوره ابتدائی

در جوامع بدوی، مجموعه میراث فرهنگی بسیار اندک بوده و سطح دانش و مهارت‌ها آن چنان وسیع نبود، در نتیجه نیازی به نظام آموزشی منسجم با سبک برنامه خاص احساس نمی‌شد. آموزش، بیشتر از طریق خانواده‌ها انجام می‌شد و جنبه غیررسمی داشت. با گذشت زمان در کشورهای مختلف، نظام‌های آموزشی رسمی با ساختار بسیار منظم و برنامه‌ریزی شده، شکل گرفت. در ایران با وجود تاریخ و تمدن کهن، سیستم آموزشی در طول تاریخ دچار تحول گردیده و تحولات بسیار وسیعی در مقاطع مختلف رخ داده است؛ البته دوره ابتدایی با این اسم، در نظام آموزشی ایران وجود نداشت. قبل از تشکیل نظام آموزشی نوین، در ایران بیشتر مکتب خانه وجود داشت (کشاورزی و جعفری، ۱۳۹۷). بعد از انقلاب مشروطه در سال ۱۲۹۰ هجری شمسی، قانون معارف برای اولین بار تصویب شد، در نتیجه آموزش ابتدایی را به عنوان اولین مرحله ساختار نظام آموزشی نوین ایران معرفی نمود و لزوم بسط و گسترش آموزش ابتدایی نوین در تاریخ ایران، برای اولین بار مطرح شد. در سال ۱۳۲۲ طبق قانون تعلیمات اجباری، آموزش ابتدایی به عنوان یک دوره آموزش عمومی و تعلیمات اجباری، مطرح و همگانی شد. طبق ماده دوم قانون تعلیمات اجباری، طول دوره آموزش ابتدایی، شش سال تعیین شد، ولی در سال ۱۳۴۵ هجری شمسی، مدت این دوره به پنج سال تقلیل پیدا کرد (اسماعیلی و غلامی، ۱۳۹۶). در حال حاضر دوره ابتدایی در ایران شش سال می‌باشد و شامل دوره ابتدایی اول و دوم می‌باشد.

تأثیر کرونا بر دوره ابتدائی

بیماری همه گیر COVID-19 باعث بزرگ‌ترین اختلال در آموزش تاریخ شده است، در حال حاضر تأثیر تقریباً جهانی بر فراگیران و معلمان در سراسر جهان، از مدارس ابتدایی تا متوسطه، موسسات آموزش و آموزش فنی و حرفه‌ای، دانشگاه‌ها، آموزش بزرگسالان و مهارت‌های تأسیسات توسعه‌ای داشته است. در تلاش برای مهار شیوع COVID-19، در اکثر کشورها در سراسر جهان موسسات آموزشی تصمیم گرفته‌اند آموزش حضوری را موقتاً متوقف کرده و به یک مدل یادگیری از راه دور تحویل منتقل کنند.

حفظ فاصله اجتماعی، زندگی در انزوا و دور از بستگان و دوستان، خود یک بحران عاطفی-اجتماعی است که نه تنها بزرگسالان، بلکه کودکان و دانش‌آموزان را تا حد زیادی تهدید کرده است. گرچه یادگیری از راه دور مفهوم جدیدی



نیست، اما دانش آموزان ابتدایی آن را برای اولین بار تجربه کرده‌اند. فرآیند یادگیری مجازی در سطح مدرسه کاملاً مفهومی جدیدی در سراسر جهان است.

تعطیلی مدرسه فیزیکی و اتخاذ آموزش از راه دور ممکن است بر یادگیری دانش آموزان ابتدایی از طریق چهار کانال اصلی تأثیر منفی بگذارد: زمان کمتری برای یادگیری، علائم استرس، تغییر در نحوه تعامل دانش آموزان و عدم انگیزه یادگیری. با این وجود، علی‌رغم این، آموزش از راه دور برای اطمینان از تداوم یادگیری در شرایطی که کلاس‌های حضوری به حالت تعلیق در می‌آید، امری اساسی است. در آموزش از راه دور زمان کمتری برای یادگیری صرف می‌شود بیشتر یادگیری‌های رسمی کودکان در مدارس صورت می‌گیرد. بسته شدن ساختمان‌های مدرسه و انتقال به یک محیط یادگیری از راه دور ممکن است باعث شود کودکان وقت کمتری را برای یادگیری صرف کنند. اگرچه اتخاذ آموزش از راه دور برای اطمینان از تداوم آموزش پس از تعطیلی فیزیکی مدارس کلیدی است، اما به طور متوسط دانش آموزان ابتدایی در حین قفل شدن دچار افت یادگیری می‌شوند. برای توضیح این موضوع می‌توان استدلال‌های مختلفی ارائه داد. اول، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد دانش آموزان قرنطینه‌ای در مقایسه با زمان باز بودن مدارس، وقت کمتری را برای یادگیری می‌گذرانند. ثانیاً، بسیاری از دانش آموزان ابتدایی که به دلیل COVID-19 در خانه محبوس هستند. ممکن است احساس استرس و اضطراب کنند و این ممکن است بر توانایی آن‌ها در تمرکز بر کارهای مدرسه تأثیر منفی بگذارد. سوم، تعطیلی مدرسه فیزیکی و عدم تماس حضوری ممکن است انگیزه خارجی دانش آموزان ابتدایی را برای انجام فعالیت‌های یادگیری کاهش دهد. چنین افتی نشان‌دهنده کاهش نمره امتحان است که دانش آموزان به دلیل زمان کمتری در یادگیری در مقایسه با مدت زمانی که معمولاً در مدرسه می‌گذرانند، تجربه می‌کنند.

طبق نظرسنجی (فشارسنج مدرسه)، که از ۲۵ مارس تا ۵ آوریل ۲۰۲۰ انجام شد و دانش آموزان ابتدایی اتریشی، سوئیس و آلمانی را هدف قرار دادند، زمان یادگیری هفتگی دانش آموزان در حین قفل شدن COVID-19، در مقایسه با زمان باز بودن مدارس، بین ۴ تا ۸ ساعت کاهش می‌یابد (Huber et al, 2020). علاوه بر این، از هر پنج دانش آموز، یک نفر می‌گوید که کمتر از ۹ ساعت در هفته مطالعه می‌کند. بسیاری از مطالعات به طور مداوم نشان می‌دهند که زمان کمتری برای یادگیری می‌تواند منجر به از دست دادن یادگیری شود.

یک ساعت اضافی در هفته در طول سال تحصیلی در موضوعات اصلی، نمرات آزمون را حدود ۶٪ از انحراف معیار افزایش می‌دهد. برخی از مطالعات تأثیر منفی غیبت و ترک تحصیل در مدرسه بر عملکرد دانش آموزان را نشان می‌دهد. همچنین این تعطیلات باعث کاهش نمره دانش آموزان و افزایش تکرار پایه (به خصوص در دانش آموزان ابتدایی) و کاهش سطح علمی تحصیلات می‌شود (Lavy, 2015). به بررسی چگونگی تفاوت بین کشورها در زمان آموزشی بر یادگیری دانش آموزان می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که چنین اختلافاتی اهمیت دارد.

از تأثیرات منفی دیگر، ممکن است آسیب‌های روانی، خانواده‌ها را در این ایام تهدید کند، زیرا دانش آموزان ابتدایی به ماندن در منزل به مدت طولانی عادت ندارند و بسیاری از خانواده‌ها مهارت هم‌زیستی مسالمت آمیز را نداشته و بنابراین



ماندن در خانه ممکن است باعث افزایش خشونت خانگی در برخی خانواده‌هایی که دارای مهارت‌های لازم نیستند، بشود. در نتیجه این خشونت، تمرکز روی درس برای دانش‌آموزان ابتدایی سخت می‌شود. تغییری در نحوه تعامل دانش‌آموزان کاملاً مشهود است که محیط مدرسه از طریق تأثیرات همسالان بر موفقیت تأثیر می‌گذارد. حضور در کلاس و از این رو داشتن فرصت تعامل با همکلاسی‌ها ممکن است موارد مثبت ایجاد کند. اثرات همتایان ممکن است از طریق کانال‌های مختلف عمل کنند. دانش‌آموزان ممکن است به یکدیگر آموزش دهند و با هم پیشرفت کنند. موفقیت‌های بالای همکلاسی‌ها ممکن است دانش‌آموز را از طریق رقابت یا تأثیر اجتماعی ترغیب کند تا بیشتر کار کند. دانش‌آموز همچنین می‌تواند به لطف همسالان خود به مطالعه یا ریاضیات علاقه‌مند شود (Sacerdote, 2011). به نظر می‌رسد چهار نتیجه اصلی در مورد تأثیر احتمالی COVID-19 بر آموزش وجود دارد:

اول، انتظار می‌رود که یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی به طور متوسط دچار عقب‌گرد شود. با وجود حرکت گسترده به تدریس آنلاین، پیشرفت دانش‌آموزان به سادگی همانند مدارس باز نخواهد بود. اگرچه یادگیری آنلاین از توانایی بالایی برخوردار است، اما وقتی دانش‌آموزان و معلمان وقت آماده‌سازی و عادت به آن را داشته باشند و مدارس نیز زمان آزمایش اجرای آن را داشته باشند، تأثیر آن بیشتر است. متأسفانه، در بسیاری از موارد این اتفاق نیفتاد زیرا COVID-19 همه موسسات آموزشی را مجبور کرد که ناگهان به یادگیری آنلاین روی بیاورند. علاوه بر این، بسیاری از معلمان در دسترسی به فناوری (رایانه، نرم افزار، اتصال به اینترنت قابل اعتماد و غیره) مشکل دارند. انتظار می‌رود تعطیلی مدرسه فیزیکی و اتخاذ آموزش از راه دور تأثیرات مخربی بر یادگیری دانش‌آموزان از طریق چهار کانال اصلی بگذارد:

- ۱- زمان کمتری برای یادگیری صرف می‌شود.
- ۲- فشار (استرس).
- ۳- تغییری در نحوه تعامل دانش‌آموزان.
- ۴- عدم انگیزه یادگیری.

علی‌رغم این واقعیت که فقط زمان یادگیری از دست رفته به دلیل تغییر از آموزش فیزیکی به آموزش آنلاین محاسبه می‌شود، این برآوردها به وضوح نشان می‌دهد که تعطیلی مدرسه فیزیکی به طور متوسط باعث از دست دادن یادگیری می‌شود.

دوم، تأثیر COVID-19 بر پیشرفت دانش‌آموزان ابتدایی ممکن است متناسب باشد وضعیت اقتصادی اجتماعی. دانش‌آموزانی که از زمینه‌های کم‌مزیت برخوردار هستند احتمالاً در مقایسه با همتایان با مزیت بیشتر کاهش بیشتری در یادگیری تجربه می‌کنند. این بدان معناست که انتظار می‌رود COVID-19 منجر به شکاف اقتصادی-اجتماعی گسترده‌تری در عملکرد دانش‌آموزان کاملاً محتمل است که دانش‌آموزان محروم‌تر، خصوصاً در ریاضیات، دچار افت یادگیری چشمگیری شوند. دانش‌آموزان دارای معلولیت در معرض خطر عقب‌ماندگی چشمگیر قرار دارند. بیشتر کودکانی که مشکل یادگیری دارند نمی‌توانند به طور مستقل جلوی کامپیوتر کار کنند و نظارت آن‌ها به خصوص چالش برانگیز



است. علاوه بر این، از دست دادن برنامه روزمره‌ای که مدارس ارائه می‌دهد، ممکن است بر روی آن تأثیر سو بگذارد دانش‌آموزان معلول که به ویژه در تغییر در محیط یادگیری حساس هستند.

سوم، در این دوره اضطرابی نابرابری در مهارت‌های اجتماعی-عاطفی نیز ممکن است افزایش یابد. کودکانی که از وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین‌تری برخوردار هستند بیشتر از همسن و سالان خود از وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالاتر در معرض محیط استرس‌زای خانه قرار می‌گیرند. علاوه بر این، والدین از زمینه‌های دارای مزیت‌تر ممکن است از نظر مهارت‌های اجتماعی-عاطفی برای رسیدگی به مشکلات پیش آمده در یک دوره طولانی حبس، مجهزتر باشند. در یک کتاب اخیر، (Doepke and Zilibotti, 2011) نشان می‌دهد که سبک‌های مختلف فرزندپروری چه مسئولیتی در افزایش اختلاف اقتصادی دارند که در بسیاری از کشورهای جهان مشاهده می‌شود. آن‌ها تأکید می‌کنند که چگونه والدین خانواده‌های ثروتمند از اهمیت سرمایه‌گذاری در تحصیل فرزندان خود آگاه هستند. COVID-19 ممکن است شکاف والدین را بین خانواده‌های دارای زمینه‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی بیشتر کند و منجر به افزایش نابرابری در آینده شود.

مشکلات و چالش‌های نظام آموزشی در دوران همه‌گیری کرونا

کسی به طور قطع نمی‌تواند ابراز نظر کند که قرن بیست و یکم دارای چه ویژگی‌هایی خواهد بود. اما آنچه مسلم است این است که دنیا مانند هزاران سال قبل، روال آرام و کندی نخواهد داشت و بسی جای امید است که انسان با تکیه بر هوش و تفکر خود که از ویژگی‌های ستایش شده او در قرآن کریم می‌باشد و به واسطه‌ی آن به عنوان اشرف مخلوقات معرفی شده است، راهکارهایی در برابر موانع آن قرن بیابد (همتی و همکاران، ۱۳۹۴). نظام‌های آموزشی نیز متأثر از این گرایشات، همواره به دنبال یافتن راه‌های جدید جهت بهبود عملکرد دانش‌آموزان می‌باشند. اما بدون شک سازمان‌های آموزشی نیز هم چون سایر سازمان‌ها در مسیر حیات اجتماعی خود تحت تأثیر جریانات اجتماعی و بین‌المللی هستند؛ جریاناتی نظیر عوامل اجتماعی، سیاسی و روان‌شناختی که بر فرایند خط مشی‌گذاری سازمان‌های آموزشی تأثیر خواهند گذاشت (نیازذری و همکاران، ۱۳۹۱). در دوره‌های پیشین و شرایط کنونی نظام آموزشی برای به چالش کشیدن موضوعات و مسائل آینده با تکیه بر برنامه‌های آموزشی پیش دبستانی تا دبیرستان و حتی دانشگاه‌ها پاسخ مناسبی را نداده است. علاوه بر ناتوانی برنامه‌های آموزشی بخشی از این نقیصه از آن جا ناشی می‌شود که اکثر آموزش‌دهندگان آگاهی و شناخت چندانی از روش‌ها و جهت‌گیری‌های فلسفی مطالعات آینده‌پژوهی ندارند. پیامد چنین خلایای در بنیان معرفتی آموزش این خواهد بود که اکثر آموزگاران فاقد معیارهای اساس هستند که برای تحلیل استنباط خود از رابطه آموزش و آینده، برای تبادل مسائل آینده به تجربه‌های علمی یادگیری، ضرورتاً به آن نیاز دارند. نظام‌های آموزشی به اندازه کافی به رسالت خود یعنی تجهیز دانش‌آموزان و دانشجویان به دانش و مهارت‌های لازم برای مشارکت موثر در جامعه امروز و آینده نپرداخته‌اند. هر گونه اشکال و نقصان در برنامه‌های آموزشی بدون رویکرد به آینده، تأثیر منفی و ماندگاری در جامعه و



فراگیران خواهد داشت (جهانیان و محجوبی، ۱۳۹۰). اما آنچه که به نظر می‌رسد نظام آموزشی با مسائل مهم در قرن بیست و یکم مواجه خواهد بود که یکی از آن عدم قطعیت و آینده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی سیاست‌گذاری آموزش و پرورش بر دانش‌آموزان ابتدایی در دوران کرونا از طریق جمع‌آوری مطالب نظری و تجربی پرداخته شد. بررسی‌ها نشان داد سیاست‌گذاری آموزش و پرورش در دوران کرونا بر دانش‌آموزان ابتدایی تأثیر دارد. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های (Sacerdote, 2011)، (Lavy, 2015)، (Huber et al, 2020)، (Doepke & Zilibotti, 2019)، (رهبر کرباسدهی، ابراهیم، ۱۴۰۰)، (زرکشان، آرزو، ۱۳۹۹)، (حیدری، علی‌رضا، ۱۳۹۹)، (همتی و همکاران، ۱۳۹۴)، (اسماعیلی و غلامی، ۱۳۹۶)، (کشاورزی و جعفری، ۱۳۹۷)، (رضوی و همکاران، ۱۳۹۵)، (نیازداری و همکاران، ۱۳۹۱)، (ثنایی پور، ۱۳۹۳)، (فائدی و همکاران، ۱۳۹۴)، (داودآبادی و بهرامی، ۱۳۹۹)، (جعفر زنجانی و اکبری، ۱۳۹۲)، (سلیمی و فردین، ۱۳۹۹)، (جهانیان و محجوبی، ۱۳۹۰)، هم‌خوانی دارد. برای تحول عمیق در نظام آموزشی نیاز داریم که بر روی فرآیند سیاست‌گذاری تمرکز کنیم. اما از آن جایی که فرآیند سیاست‌گذاری مبتنی بر واقعیات و متاثر از شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است، باید بر رویکردهایی تکیه کرد که بتوان به تمام اهداف نظام آموزشی دستیابی پیدا کرد. ولی وجود آینده و عدم قطعیت در زمان، ما را با چالشی بزرگ همراه می‌کند که بی‌توجه بودن به آن می‌تواند همانند همه‌گیری ویروس کرونا یک بحران نه تنها در سیستم آموزشی بلکه در کلیه حوزه‌ها به وجود آورد.

سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش به منزله پر نفوذترین و مؤثرترین انواع سیاست‌گذاری عمومی، مجموعه‌ای از سیاست‌ها، رویه‌ها و اقداماتی است که نهاد دولت به منظور توانمندسازی و توسعه دانش و مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، رفع معضلات موجود در عرصه نظام تعلیم و تربیت و نیز کیفیت بخشی به امر تربیت، تدوین و اجرا می‌کند. از این رو، عامل اصلی، مهم‌ترین کارگزار و اصلی‌ترین کنشگر چنین سیاست‌گذاری، «دولت» است. شناسایی مسائل و مشکلات آموزشی و تربیتی، تصمیم‌گیری و انتخاب از میان گزینه‌های متنوع، طراحی خط‌مشی‌های مناسب، اجرای صحیح و دقیق سیاست‌های اتخاذ شده، ارزیابی نتایج و پیامدهای تصمیمات و نیز اصلاح و تعدیل سیاست‌های اخذ شده، از مهم‌ترین مراحل این حوزه سیاست‌گذاری به شمار می‌آیند.

دوره ابتدایی مهم‌ترین دوره تحصیلی است. زیرا این دوره آستن بسیاری از زمینه‌ها و شکوفایی مهارت‌های شناختی، عاطفی، اجتماعی و آموزشی است که این مهارت‌ها در دوران بعدی تحصیل دانش‌آموز تأثیرگذار خواهند بود، دانش‌آموزان با ورود به این دوره از نظر توانایی ذهنی برای کسب بسیاری از مسائل آموزشی و تربیتی که قبل از ارتباط مستقیم با مدرسه پیدا نکرده بود آمادگی پیدا می‌کنند و تحولات عظیمی در ذهن آنان نسبت به مسائل اجتماعی ایجاد



می‌شود. این مجموعه تغییر و تحول در دوره ابتدایی را می‌توان در کیفیت آموزشی دید. زیرا فرصت‌های زندگی دانش‌آموزان قویا از کیفیت آموزشی که در مدارس می‌بینند متأثر است. باید پذیرفت که نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به عنوان فراسیستم‌های مهم در کارکرد نظام آموزشی تأثیر می‌گذارند، و اگر این عوامل درست و منطقی و هدایت شده حرکت کنند موفقیت سیاست‌های آموزشی و در نهایت رسیدن به اهداف عالی آموزش و پرورش به سهولت امکان پذیر خواهد بود.

تعطیلی جهانی مدارس و مراکز آموزشی باعث شده است که در روند یادگیری دانش‌آموزان اختلالات عمیق و غیرقابل جبرانی روی دهد. از سویی دیگر در روند ارزیابی‌های دانش‌آموزان نیز مشکلات جدی روی داده و در عین حال، سطح کیفی این ارزیابی‌ها نیز به نحو چشمگیری تنزل پیدا کرده است. اما برای کاهش اثرات منفی این وضعیت چه کاری شود کرد؟ در گام اول، مدارس نیازمند منابع و توجه اضافی هستند تا بتوانند اثرات این تعطیلی‌های طولانی مدت را بر کیفیت آموزشی دانش‌آموزان و در ابعاد مختلف به حداقل رسانده و مدیریت کنند. وقتی که مدارس دوباره باز شدند این منابع اضافی باید به صورت هدفمند هزینه شود. اینکه این منابع چگونه مصرف می‌شود و چگونه بر دانش‌آموزانی که بیشترین تأثیر را از این وضعیت متحمل شده‌اند، متمرکز می‌شود جای کار و تحقیق دارد و در اصطلاح خودش پرسش مهمی است که باید ذهن سیاست‌گذاران حوزه آموزش را به خود معطوف کند. از سوی دیگر با توجه به اهمیت عامل ارزیابی و امتحان در فرایند یادگیری مدارس، باید به جای تعویق یا کنسل کردن امتحانات، راه‌های موثرتری را برای برگزاری دقیق اما مبتنی بر دستورالعمل‌های بهداشتی پیدا کرده و به اجرا درآورد. برای فارغ‌التحصیلان دبیرستانی یا دانشگاهی نیز سیاست‌گذاران باید سیاست‌هایی را در دستور کار قرار دهند که از ورود آن‌ها به بازار کار حمایت کند تا از انباشت بحران بیکاری در اقتصاد کشورها جلوگیری شود. با توجه به مطالبی که ذکر شد باید گفت نظام آموزشی باید در سیاست‌های قبلی خود تجدیدنظر کند و با توجه به این ویروس منحوس باید سیاست‌های جدی در حوزه سیاست‌گذاری آموزشی صورت گیرد تا دانش‌آموزان از درس و مدرسه عقب نمانند.



منابع

- اسماعیلی، حسین، غلامی، معین، مبانی و اصول آموزش و پرورش، تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۹۶.
- ثنایی پور، هادی، بررسی مفاهیم سیاست‌گذاری و سیاست‌گذاری کارآفرینی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، کمیسیون کارآفرینی و کسب و کار، ۱۳۹۳.
- جعفرزنجانی، حامد، اکبری، حسن، تأثیر تدوین سیاست‌های کلی برای بنگاه‌های خدماتی- آموزشی انتفاعی، مدیریت بهره‌وری، ۷(۴) (۲۷) زمستان ۱۳۹۲، صفحات ۱۸۳-۱۹۸.
- جهانیان، رمضان، محجوبی، ستاره، سیاست‌های آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن، نشریه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد کرج، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۰، صفحات ۲۰۴-۱۸۹.
- حیدری، علی رضا، کارکردهای سیاست‌گذاری آموزشی در نظام تعلیم و تربیت، فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۳۹۹.
- داودآبادی، محسن، بهرامی، حسین، ایستگاه‌های حکومت اسلامی در سیاست‌گذاری تعلیم و تعلم، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۸(۱۴)، فروردین ۱۳۹۹، صفحات ۲۴۳-۲۵۷.
- رهبر کرباسدهی، ابراهیم، تأثیر کرونا ویروس ۲۰۱۹ بر دانش‌آموزان با نیازهای ویژه، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ۲۹ (۵): مرداد ۱۴۰۰، صفحات ۳۶۹۷-۳۶۹۳.
- رضوی، سید عباس، ملکی، حسن، عباس پور، عباس و ابراهیمی قوام، صغری، بررسی تربیت سیاسی در برنامه درسی رسمی دوره ابتدایی، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۵.
- زرکشان، آرزو، سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش، تهران: انتشارات ساز و کار، ۱۳۹۹.
- سلیمی، سمانه، فردین، محمد علی، نقش ویروس کرونا در آموزش مجازی، با تأکید بر فرصت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه علمی پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، سال هشتم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، پاییز ۱۳۹۹، صفحات ۶۰-۴۹.
- قائدی، وهاب، رستمی، شهلا، محمدی، شهناز، سیاست‌گذاری در نظام‌های آموزشی، کنفرانس ملی آینده‌پژوهی، علوم انسانی و توسعه، بهار ۱۳۹۴.
- کشاورزی، زهرا، جعفری، سعیده، سیاست‌گذاری آموزش و پرورش در ایران، همایش ملی یافته‌های نوین مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۱۳۹۷.
- نیازآذری، کیومرث، اسماعیلی شاد، بهرننگ، ربیعی دولابی، مجید، سیاست‌گذاری و فرآیند خط‌مشی عمومی در نظام آموزشی، قائم شهر، انتشارات مهرالنبی ۱۳۹۱.
- همتی، علی رضا، گودرزی، محمدعلی، حاجیانی، ابراهیم، ضرورت آینده‌پژوهی در نظام‌های آموزش و پرورش، آینده‌پژوهی مدیریت، ۲۶ (شماره ۲ (پیاپی ۱۰۳))، تابستان ۱۳۹۴، صفحات ۵۹-۶۷.



Doepke, M., and Zilibotti, F. (2019) Love, Money and Parenting: How Economics Explains.

Huber, S.G., Günther, P.S., Schneider, N., Helm, C., Schwander, M., Schneider, J., and Pruitt, J. (2020) COVID-19 und aktuelle Herausforderungen in Schule und Bildung.

Lavy, V. (2015) Do Differences in Schools' Instruction Time Explain International.

Sacerdote, B. (2011) Peer Effects in Education: How Might They Work, How Big Are They.